

دلیل سوم: قبح عقلی تجری

۱. مطابق این دلیل، اگر بتوانیم ثابت کنیم که عقلاً تجری قبیح است و بعد ثابت کنیم که هرچه عقلاً قبیح است، مستحق عقاب است، می‌توانیم ثابت کنیم که متجری مستحق عقاب است.
۲. پاسخ مرحوم شیخ به این استدلال، از آنچه ذیل بنای عقلا مطرح کرد معلوم می‌شود. ماحصل فرمایش ایشان آن است که، عقلاً کار متجری قبیح نیست بلکه نیت او قبیح است. و در صورتی از قبح عقلی می‌توان به استحقاق عقوبت رسید که عقل عمل را قبیح بداند و نه اینکه فاعل را آدم بدی به حساب آورد.
۳. روشن است که مرحوم شیخ «عقاب» را مترتب بر عمل قبیح می‌داند و نه بر «نیت قبیح» و این در حالی است که مرحوم آخوند در همین جا می‌فرماید:
«العقاب إنما يكون على قصد العصيان والعزم على الطغيان لا على الفعل الصادر بهذا العنوان»^۱
۴. درباره کلام مرحوم آخوند و تفاوت آن با فرمایش شیخ سخن خواهیم گفت.

دلیل چهارم: شهادت وجدان

مرحوم آخوند در استدلال بر حرمت تجری، از «شهادت وجدان» بهره برده است. این اصطلاح را می‌توان به معنای «بدهت اولیه و ارتکازی» دانست:

«الحق أنه [تجری] يوجب [عقاب] لشهادة الوجدان بصحة مؤاخذته و ذمه على تجريه و هتكه لحرمة موله و خروجه عن رسوم عبوديته و كونه بصدد الطغيان و عزمه على العصيان و صحة مثوبته و مدحه على قيامه بما هو قضية عبوديته من العزم على موافقته و البناء على إطاغته و إن قلنا بأنه لا يستحق مؤاخذة أو مثوبة ما لم يعزم على المخالفة أو الموافقة بمجرد سوء سريره أو حسنها و إن كان مستحقاً للوم أو المدح بما يستتبعانه كسائر الصفات و الأخلاق الذميمة أو الحسنة.»^۲

۱. كفاية الاصول، ص ۲۶۰

۲. همان، ص ۲۵۹

توضیح:

۱. وجداناً و بداهه، عبد متجری را صحیح است عقاب کنیم و عبد منقاد را ثواب دهیم.
۲. [ان قلت: سوء سریره باعث قصد گناه می‌شود و قصد گناه باعث عمل گناه. حال اگر قصد گناه در حالیکه عمل گناه نیست، باعث عقاب شود، پس سوء سریره هم باعث عقاب می‌شود. قلت:]
۳. قصد گناه که همراه با عمل باشد باعث عقاب می‌شود (حتی اگر عمل گناه نباشد)، ولی سوء سریره صرفاً باعث ملامت می‌شود. آن هم اگر سوء سریره به قصد منتهی شود
۴. [بما يستتبعانه: عبد دارای سوء سریره، مستحق ملامت است و به سبب قصد گناه که بر سوء سریره مترتب می‌شود.]

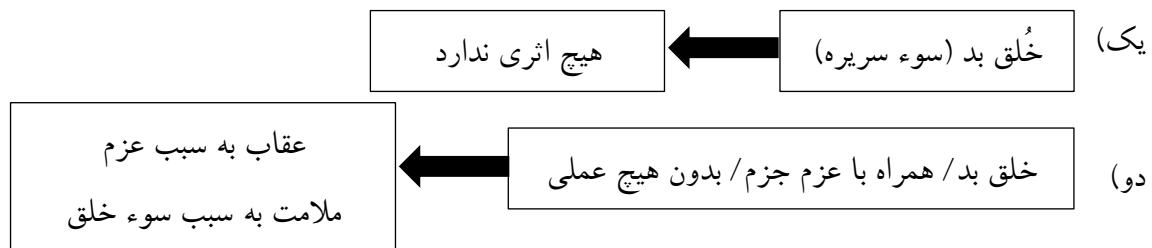
ما می‌گوییم:

ماحصل فرمایش مرحوم آخوند آن است که:

- الف) انسان اخلاق خوب و بد دارد ولی صرفاً این اخلاق هیچ اثری ندارد.
- ب) اگر این اخلاق خوب یا بد، باعث عزم بر عصیان یا اطاعت شد، به سبب اخلاق، آدمی ملامت می‌شود و یا مدح می‌شود.
- ج) اما عزم بر عصیان (همراه با عمل) باعث استحقاق عقاب و عزم بر ثواب (همراه با عمل) باعث استحقاق ثواب می‌شود.

- د) و اگر عزم بر عصیان یا اطاعت باشد و در این عزم عبد جازم باشد، باز هم مستحق ثواب و عقاب می‌شود.
- «و بالجملة ما دامت فيه صفة كامنة لا يستحق بها إلا مدحا أو لوما و إنما يستحق الجزاء بالثوبة أو العقوبة مضافا إلى أحدهما إذا صار بصدد الجری علی طبقها و العمل علی وفقها و جزم و عزم و ذلك لعدم صحة مؤاخذه بمجرد سوء سریره من دون ذلك و حسنهما معه كما يشهد به مراجعة الوجدان الحاكم بالاستقلال فی مثل باب الإطاعة و العصیان و ما يستتبعان من استحقاق النيران أو الجنان.»^۱

پس می‌توان در مورد فرض تجرّی بحث را چنین دسته‌بندی کرد:



۱. همان

(سه)

خلق بد/ همراه با عزم جزم/ همراه با عمل مخالف اعتقاد (تجری)

عقاب به سبب عزم
ملامت به سبب سوء خلق

(چهار)

خلق بد/ همراه با عزم جزم/ همراه با عمل موافق اعتقاد (معصیت)

عقاب به سبب عزم
ملامت به سبب سوء خلق

۱. توجه شود که فرض ۲، اگرچه در کلام مرحوم آخوند مطرح نیست ولی ظاهراً از سخن ایشان قابل استفاده است.

۲. اما در مورد فرض ۴ هم مرحوم آخوند می نویسد:

«ثم لا يذهب عليك أنه ليس في المعصية الحقيقية إلا منشأ واحد لاستحقاق العقوبة و هو

هتک واحد فلا وجه لاستحقاق عقابین متداخلین كما توهم «۵» مع ضرورة أن المعصية الواحدة

لا توجب إلا عقوبة واحدة كما لا وجه لتداخلهما على تقدير استحقاقهما كما لا يخفى. ۱

توضیح:

معصیت هم یک عقاب دارد و لذا سخن صاحب فصول که گفته است اگر تجری یک عقاب داشته باشد

لاجرم معصیت دو عقاب دارد، سخن باطلی است.

